

## قوام السلطنه و مورخ الدوله

در شماره دهم سال هشتم مجله آینده دیماه ۱۳۶۱ دو نامه از قوام السلطنه به مستشارالدوله را چاپ کرده بودید. با توجه به مقدمه‌ایکه بر نامه اول تحریر شده بود، لزوماً مطالبی را بر سبیل تذکر و برای روشن شدن ذهن خوانندگان آن مجله معروض میدارد.

الف: مرقوم داشته‌اید، مورخ الدوله در کابینه قوام السلطنه به وزارت رسید و در همین مقام بود که به دست قوام السلطنه به زندان افتاد. در اینجا کلمه زندان درست نیست، چون قوام، سپهر را که سمت وزارت پیشه و هنر را داشت به کاشان تبعید کرد و جریان باین صورت بود که: او را از خانه‌اش در تهران با اتومبیل یکسره به کاشان بردند و در آنجا بدستور رئیس شهربانی وقت سرتیپ صفاری باصطلاح تحت نظر بود. درحالیکه نهایت احترام درباره او مراعات میشد. لکن حق خروج از کاشان را نداشت.

ب: در مورد دستگیری مورخ الدوله در رابطه با کمیته مجازات: در اینجا لازم میدانم که ابتدا مطالبی را به نقل از دست‌اندرکاران این مسأله بازگو کنم و سپس نظر خود را نیز بعرض برسانم.

۱- از کتاب ایران در جنگ بزرگ (صفحه ۴۲۰) - در نتیجه اقدامات دیپلماتها و اعتراض مطبوعات نگارنده را پس از چهار روز خلاص کردند و بعنوان مرمت و جبران و برای احتراز از آنکه دولت مجبور به عذرخواهی رسمی از سفارت آلمان نشود. سلطان احمد شاه نشان درجه اول شیروخورشید با حمایل سرخ به نگارنده اعطا کرد و من از تعقیب قضیه و مطالبه خسارت صرف نظر نمودم.

۲- مستشارالدوله در یادداشتهای تاریخی، به کوشش ایرج افشار (صفحه ۱۲۶): «در موضوع محبوسین کمیته مجازات که اشخاص معینی با جرمهای ثابت هستند امر اکید داده‌ام که با مراقبت تمام در حبس بمانند تا وقتی که دولت تکلیف آنها را معین کند ولی راجع به دیگران که اسمشان در نوشتجات دیده نمی‌شود یا برای تحقیق راجع به آنها استنطاق می‌نمایند وزیر داخله نباید وقت خود را صرف ورود و خروج آنان نماید.»

ایضاً در صفحه ۱۲۱ یادداشتهای تاریخی: «چند دقیقه گذشته پیشخدمت آمد که اعلیحضرت شما را احضار کرده است شرفیاب شدم با حیرت و تعجب فوق‌العاده اظهار خرسندی فرموده پرسیدند که آفرین بر این نظمیه که توانست چنین فتحی بکند. عرض کردم در این مورد «نظمیه» هیچ لیاقتی از خود نشان نداده شخصاً سعی‌ها کرده رشته کار را بدست آورد، حتی طرح عملی را با همه جزئیات به مسیو وستال دستور دادم.»

۳- در نامه قوام السلطنه در این مقوله چنین آمده است: «در خصوص آقای

مورخ الدوله از طرف مخلص اشاره نشده است فقط بمحکمه اختیار داده شده است. اشخاصی را که از سکوت و اغماض دولت در این مدت استفاده نموده‌اند چنانچه در استنطاق مظنونین طرف سوءظن واقع شوند بمحکمه جلب نمایند. امیدوارم آقای مورخ الدوله در عداد آنها نباشند. رقیمه ایشان را برای اطلاع محکمه فرستادم.»

۴- روزنامه کوکب ایران (مورخ ۲۴ سرطان ۱۹۲۶): «تا رئیس محترم از گرفتاری آقای مورخ الدوله منشی اول سفارت آلمان باسم اینکه عضو کمیته مجازات هستند مسبوق‌اند و تفصیل آن از این قرار است: روز پنجشنبه ۱۵ رمضان در موقعی که ایشان از میدان توپخانه بسفارت آلمان میرفته‌اند بتوسط چند نفر پلیس مخفی جلب بنظمیه شد، بدو تمام کاغذهای جیب ایشان را توقیف و سپس اجازه میدهند که کاغذی بسفارت آلمان بفرستند. پس از نوشتن مکتوب «سیو زومر» دفتردار سفارت آلمان بنظمیه آمده علت توقیف را سؤال و در مراجعت بسفارت، مراسله‌ای بوزارت خارجه نوشته و سپس بمنزل آقای رئیس‌الوزراء رفته آقای رئیس‌الوزراء اظهار بی‌اطلاعی نموده وعده می‌دهند که در مقام تحقیق برآمده نتیجه را اطلاع دهند. در همان روز از طرف نظمیه کاغذهای منزل ایشان نیز توقیف میشود. در این خصوص جناب وزیرمختار اطریش و آقای شارژدافر عثمانی و مسیو زومر دفتردار سفارت آلمان نیز بمنزل آقای رئیس‌الوزراء رفته راجع بگرفتاری مشارالیه اعتراض میکنند. از روز یکشنبه استنطاقات شروع و معلوم می‌شود که ایشان ابدأ عضویتی در کمیته نداشته‌اند.»

۵- مورخ الدوله در کتاب ایران در جنگ بزرگت: «در این امر همه متفق‌القول‌اند که اسامی و نشانی دقیق اعضاء کمیته را روزی بهادرالسلطنه به کلنل س. ک. وستداهل رئیس تشکیلات نظمیه ایران تسلیم میکند و بلافاصله در سوم شوال ۱۳۳۵ اعضاء کمیته همه دستگیر میشوند.... وستداهل در جلسه هیئت دولت در کاخ صاحبقرانیه اسامی را در پاکتی بدست رئیس‌الوزراء میدهد و او هم بدون آنکه در پاکت را بگشاید روی آن مینویسد: «برئیس نظمیه اجازه داده میشود که اشخاصی که اسامی آنها در این صورت درج شده دستگیر و با اختیارات تام قانونی تعقیب و مجازات نمایند.» (ص ۴۲۰)

۶- یادداشتهای تاریخی مستشارالدوله (صفحه ۱۱۶): «بعد از دو سه قتل دیگر رعب و واهمه کمیته مجازات بسیاری را به وحشت فوق‌العاده انداخت از جمله وثوق الدوله از ریاست وزراء استعفا داده در منزل بیلاقی با ترس بی‌اندازه به‌مبارست خود پرداخت کابینه دیگر به ریاست علاءالسلطنه تشکیل شد از قرار ذیل: .... نگارنده وزیر داخله «مستشارالدوله»»

ایضاً صفحه ۱۱۷: «مشکل بزرگتر این بود که در آن موقع هیچکس جرئت نمی‌کرد زیر چنین بار پر خطر رفته مردانه کمر خدمت بر میان ببنده و اگر کسی زیر باری رفت حتماً مخفیانه تسلیم حکومت ترور گشته با ظاهرسازیهای ایرانی هنر خود را در اغفال هیئت دولت می‌دانست، خلاصه کمیته مجازات در سایه بیکفایتی رئیس نظمیه، ترس و خیانت عمال مؤثر آن به کار خود مشغول بود.... در مقابل

چنین وضعیت تأسف‌آور البته من که وزیر داخله بودم بیشتر از همه‌کس در زیر بار مسئولیت، روزهای شرم‌آوری را به شبهای نگرانی می‌رسانیدم که آیا علی‌الصباح خبر قتل کدام بیچاره ضمیمه تأسفات اتلاف چند نفر بیگناه دیگر خواهد شد و ضمناً بهر وسیله دست می‌زدم که راه‌حلی پیدا کنم.»

۷- دو نامه از قوام‌السلطنه به مستشارالدوله و مقدمه آن بقلم ایرج افشار (صفحه ۷۱۶ مجله آینده): «درین وقت کابینه علاءالسلطنه روی کار بود و مستشارالدوله در آن سمت وزارت داخله داشت و در زمان او بود که افراد کمیته مجازات توقیف شدند. نامه قوام‌السلطنه به مستشارالدوله حکایت از آن دارد که خواسته است خود را در قضیه بی‌طرف نشان بدهد. زیرا مورخ‌الدوله همیشه خود را به قوام‌السلطنه می‌چسبانیده.»



اما تذکر من در این مورد برای روشن شدن ذهن خواننده:

۱- از متن نامه قوام‌السلطنه این نکته کاملاً آشکار است که برخلاف نوشته آقای ایرج افشار در آنموقع (زمان دستگیری مورخ‌الدوله) این قوام‌السلطنه بوده که سمت وزارت داشته نه مستشارالدوله که در قسمت نامه اثبات این مدعا را میکند.

الف: از طرف مخلص اشاره نشده است [که مفهوم آن کاملاً مشخص است یعنی من دستور توقیف را نداده‌ام]

ب: رقیمه ایشان را برای اطلاع محکمه فرستادم [باید شخص مسئولی باشد که چنین دستوری صادر کرده است].

در اینجا بیان این نکته ضروری است که در کابینه دوم علاءالسلطنه قوام‌السلطنه بجای مستشارالدوله وزیر داخله میشود و این کابینه جمعی دوازده روز، مصدر کار بود، سپس جای خود را به کابینه عبدالمجید میرزا عین‌الدوله میدهد که در آن کابینه هم وزارت داخله بعهده قوام‌السلطنه است. (صفحات ۱۰۱ الی ۱۰۵ کتاب دولتهای عصر مشروطیت)

باین ترتیب روشن میشود در تحریر خاطرات، این مستشارالدوله بوده که دچار سه‌والقلم شده و بر اثر کبولت در نوشتن خاطرات دچار اشتباه گردیده خاصه اینکه در مورد کمیته مجازات مطلب را تمام نوشته و یا اینکه بعمد نخواست بنویسد. اما اینکه آقای افشار نوشته خود را با این جمله تمام کرده‌اند که: مورخ‌الدوله همیشه خود را به قوام‌السلطنه می‌چسبانیده، این مطلب هم خالی از اشکال نیست:

مورخ‌الدوله خود در مقالات سیاسی صفحه ۱۹ مینویسد: «روابط نگارنده با مرحوم قوام‌السلطنه از جنگ بین‌الملل اول آغاز و چندین نشیب و فراز را طی کرد یعنی کراراً از دوستی به دشمنی و از دشمنی به دوستی گرائید....» تا آنجا که مینویسد: «نخست‌وزیر پلنگ طبیعت بی‌رحمانه‌ترین تصمیم را برخلاف قوانین موجود درباره من گرفت و در گرمای سوزان ماه تیر مرا به کاشان تبعید نمود و حال آنکه از طرف من کوچکترین قدمی علیه او برداشته نشده و حتی خیال سوئی در خاطر من

خطور نکرده بود در حقیقت آیه «ان بعض الظن اثم» مصداق خارجی پیدا کرد.»  
**احمد سمیعی (ا. شنوا)**

**آینده.** کمیته مجازات در زمان کابینه وثوق الدوله (۲۹ شوال ۱۳۳۴ - اواخر رجب ۱۳۳۵) به وجود آمد. پس از آن علاء السلطنه رئیس الوزراء شد (۱۴ شعبان) و در آن کابینه که تا ۲۳ محرم ۱۳۳۶ دوام داشت مستشارالدوله وزیر داخله بود (دولتهای عصر مشروطیت تألیف جمشید زرغام پروجنی ص ۱۰۲) و چون علاء السلطنه در ۲۳ محرم ۱۳۳۶ استعفا داد و مجدداً به تشکیل کابینه مأمور شد این بار قوام السلطنه وزیر داخله بود.

اما قضیه حبس مورخ الدوله در ۱۵ رمضان ۱۳۳۵ اتفاق افتاد (به استناد همان روزنامه کوکب ایران که اشاره فرموده‌اید) یعنی در آن دوره از ریاست وزرائی علاء السلطنه که مستشارالدوله در آن وزیر داخله بوده است.

اما اینکه شرحی از نوشته مورخ الدوله در صفات قوام السلطنه نقل شده است مطلبی است که پس از گذشت و به تبعید افتادن نوشته شده است و مربوط به دوره‌ای نیست که با قوام السلطنه ارتباط داشت. حتی شهرت دارد و نوشته‌اند(؟) که مورخ الدوله در جریان نخست‌وزیری چهارم قوام السلطنه (جریان سی تیر) از کسانی بود که در اطراف قوام السلطنه آمد و شد می‌کرد (باید به کتاب یادداشت‌های حسن ارستجانی مراجعه کرد که در دسترس من نیست).

## عادات و رسوم مردم درگز

بین مردم درگز یکی از شهرهای خراسان از قدیم عادات و رسومی دربارهٔ تعاون اجتماعی جاری است که کمتر نظایر آن در نقاط دیگر کشور دیده یا شنیده شده اگر هم باشد نگارنده نشنیده‌ام اینک در نمونه آنرا ذیلاً مینگارم.

۱- یورز یا یاور - یکی از رسوم خوب و مفید درگز یاور دستجمعی برای انجام کارهایی است که صاحب کار بدلائیل زیر به تنهایی از عهدهٔ انجام آن بر نمی‌آید.  
 ۱- خانواده‌ای از فامیل که سرپرست خود را از دست داده و شخصاً قادر به انجام کار مورد نظر نیست.

۲- خانواده‌هاییکه بی‌بضاعت و فقیرند و قادر به تأمین و پرداخت هزینهٔ آن کار نیستند.

کارهاییکه بصورت یاور یا (یورز) انجام میشود باین شرح است:

۱- یورز یا یاور - کمک دستجمعی.

۲- در اصطلاح محلی یورز میگویند.